

تاریخ النجف

سید محمد موسوی

کتاب «تاریخ النجف المعروف به: الیتمة الغرویة والتحفة النجفیه فی الأرض المبارکة الزکیة» اثر مورخ شهیر، سید حسین بن سید احمد براقی نجفی (۱۳۶۱ - ۱۳۳۲ق) است. کامل سلمان جبوری این کتاب را تحقیق نموده و «دارالمؤرخ العربی» بیروت آن را در سال ۱۴۳۰ق (۲۰۰۹م) منتشر کرده است. این کتاب با مقدمه محقق و فهرست‌های گوناگونی که برای آن تنظیم شده، ۷۲۰ صفحه است و متن آن پیرامون فضیلت سرزمین نجف اشرف و کوفه و موضوعات مرتبط با آن می‌باشد که به فرازهایی از آنها اشاره می‌نماییم.

در مقدمه‌ای که محقق کتاب آورده به نسب مؤلف (سید حسین، فرزند سید احمد براقی نجفی) پرداخته و ایشان را از منسوبین به امام حسین مجتبی (ع) دانسته است. سپس به زادگاه وی یعنی نجف اشرف و خانواده‌اش اشاره می‌کند و آن‌گاه تألیفات و آثارش را برمی‌شمارد و بیش از ۸۰ عنوان کتاب برای ایشان ذکر می‌کند. برخی از این کتاب‌ها در موضوع تاریخ نگاشته شده که یکی از آنها کتاب «تاریخ النجف» است که بسیار مشهور است.

اکنون به برخی از مطالب پیرامون موضوعات یاد شده می‌پردازیم:

❑ فضیلت سرزمین غری

در فضیلت سرزمین غری «نجف اشرف» روایاتی آورده که یک نمونه آن چنین است:

سید بن طاووس در «فرحة الغری» از ابن عباس چنین نقل کرده است: رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود: یا علی! خداوند مودت و دوستی ما اهل بیت را به آسمان‌ها و زمین عرضه داشت. نخستین پاسخ دهنده و پذیرنده از میان آنها آسمان هفتم بود؛ از این رو خداوند آن آسمان را با عرش و کرسی زینت بخشید. سپس آسمان چهارم بود که خداوند آن را با «بیت المعمور» زینت بخشید. پس از آن، آسمان دنیا بود که خداوند آن را با ستارگان آراست. سپس سرزمین حجاز بود که آن را با «بیت الحرام» و «کعبه» شرافت داد. پس از آن، سرزمین شام بود که

آن را با «بیت المقدس» شرافت بخشید. سپس سرزمین «مدینه» بود که آن را با قبر من شرافت داد و پس از آن، سرزمین کوفه بود که آن را با قبر تو ای علی شرافت داد.

□ وجه تسمیه کوفه

بعضی گفته‌اند: سبب نام‌گذاری‌اش این بود که ساختمان‌هایش دایره‌ای شکل بود. بعضی نیز گفته‌اند که نام سابق کوفه «کوفان» بوده که به معنای ریگ‌ها و شن‌های سرخ‌رنگ است و چون این ریگ‌ها دایره‌ای شکل بودند، به این نام خوانده شد. نقل دیگر این است که هنگام ساختمان‌سازی در کوفه، به دلیل گردهمایی مردم در آن سرزمین، آن را «کوفه» نامیدند.

■ علت مخفی ماندن قبر امیر مؤمنان(ع)

پس از شهادت حضرت(ع)، فرزندان ایشان، از بیم آن که مبدا بنی‌امیه قصد سوئی نسبت به قبر آن جناب داشته باشند، آن قبر را پنهان نمودند و چنان کردند که مردم نتوانند آن مرقد مطهر را شناسایی کنند: تابوتی را بر پشت شتری نهاده و بستند و در تاریکی شب به سوی بیرون کوفه روانه ساختند؛ این در حالی بود که همراه آن، افراد مورد وثوقی بودند و چنین وانمود کردند که جنازه را به سوی مدینه می‌برند تا در کنار فاطمه زهرا(س) دفن کنند. نیز استری را با جنازه‌ای حرکت دادند تا چنین وانمود کنند که می‌خواهند حضرتش را در «حیره» دفن نمایند و در چند نقطه دیگر نیز گورهایی حفر کردند؛ از جمله در مسجد و در دارالاماره.

با این حال، محل واقعی دفن بر کسی جز فرزندان و یاران خاص حضرتش، آشکار و شناخته شده نبود؛ زیرا آنان هنگام سحر در شب بیست‌ویکم ماه مبارک رمضان حرکت نموده و حضرت را بنا بر وصیتشان در نجف به خاک سپردند. اما فردای آن روز مردم راه به جایی نبرده و نسبت به مدفن مطهر آن حضرت به پراکنده‌گویی دچار شدند.

سید بن طاووس نیز با دلایلی روشن، محل دفن را همین مزار کنونی در نجف دانسته و شواهد و قرائن دیگران نیز حاکی از این موضوع است. نخستین کسی که قبر شریف حضرتش را آشکار ساخت، امام صادق(ع) بود که آن را به صفوان نشان داد و اجازه داد که به دوستان حضرت خبر دهد و مبلغی برای تعمیر آن‌جا در اختیار صفوان قرار داد.

■ وجه تسمیه نجف

در «مجمع البحرین» گوید: «نجف» و «نجفة» مکانی است که آب بر آن مسلط نمی‌شود و از آمدن سیلاب بر منزل‌ها و قبرها جلوگیری می‌کند و برای نام‌گذاری آن وجه لطیفی گفته‌اند که مشهور است. مؤلف گوید: آن وجه لطیف مشهور، همان مطلبی است که شیخ صدوق و کلینی و دیگران یادآوری نموده‌اند و نیز صاحبان کتب سیره و اخبار گفته‌اند که در حدیثی امام صادق(ع) چنین فرموده است:

نجف همان کوهی بود که فرزند نوح گفت: «به زودی به کوهی پناه می‌برم که مرا از آب ننگه می‌دارد^۱ و روی زمین کوهی بزرگ‌تر از آن وجود نداشت. آن‌گاه خداوند به آن کوه وحی فرمود: ای کوه! آیا تو پناهگاه و نگه‌دارنده کسی در برابر من هستی؟! این‌جا بود که آن کوه قطعه قطعه شد و به شهرهای سرزمین شام

پرتاب شد و به صورت شن‌های ریزی درآمد. سپس در آن‌جا دریای بزرگی پدیدار گشت که آن را «دریای نی» نام نهادند. پس از مدتی که آن دریا خشک شد به آن «نی جف» گفتند و سپس «نیجف» و در نهایت برای تلفظ روان، آن را «نجف» نام نهادند.^۲ این بود سبب نام‌گذاری آن سرزمین به نجف.

□ قبر حضرت آدم و نوح(ع)

نخستین کسی که در نجف دفن شد، آدم(ع) بود و گواه بر این امر، اخبار و روایات مربوط به آن است. ناگفته نماند که مدفن آدم(ع) ابتدا در بیت الله الحرام بود که شیث بن آدم او را در آن‌جا به خاک سپرده بود و تا زمان طوفان نوح آن‌جا بود. آن‌گاه حضرت نوح، پیکر آدم(ع) را که در تابوتی قرار داشت، در کشتی نهاد و هنگامی که کشتی نوح در کوفه فرود آمد، حضرت نوح(ع) آن تابوت را در سرزمین نجف به خاک سپرد. درباره مدفن حضرت نوح نیز اخبار گواه بر این است که آن حضرت در سرزمین نجف به خاک سپرده شده است.

□ ساختن گنبد روی قبر شریف

شیخ مفید در «ارشاد» و بعضی دیگر از نویسندگان به این مضمون گفته‌اند: هارون الرشید روزی برای شکار، به سرزمین نجف رفت و آهوani را دید. بازها و سگ‌های شکاری را به سوی آنها فرستاد تا آهوان را تعقیب کنند؛ اما همین که آن آهوان به اطراف نقطه‌ای پناه بردند، بازها و سگ‌های شکاری بازگشتند و آهوان را رها نمودند و این حالت سه بار تکرار شد. هارون دستور داد از کسی که به آن منطقه آشنا بود، درباره آن بپرسند. پاسخ شنید که این‌جا قبر امام علی(ع) است. هارون فرود آمد و وضو گرفت و نماز گذارد و گریست. سپس دستور داد در آن‌جا گنبد و بارگاهی ساختند و مردم برای زیارت به آن‌جا آمدند و مردگان خود را در اطراف آن به خاک سپردند.^۳

«عضدالدوله» آن ساختمان را بازسازی کرد و عمارت زیبایی در آن‌جا برپا ساخت. این مطلب را مرحوم مجلسی در بحار، ج ۴۱، ص ۱۰۳، یادآوری کرده است. نادر شاه هنگامی که هند را فتح کرد، دستور داد گنبد حضرتش را طلاکاری نمایند و در این راه اموال بسیاری صرف کرد و در اختیار خزانه‌داری آن آستان قرار داد. پیش از نادر، شاه عباس، آن گنبد را کاشی‌کاری نموده بود.

❑ نخستین ساکنان نجف

مشهور است که «آل بویه» مردم را در این سرزمین اسکان دادند و پیش از ایشان، کسی نمی‌توانست به دلیل گرمی هوا و کمبود آب و دشواری‌های دیگر در آن‌جا ساکن شود. اما آنچه از اخبار و آثار به دست می‌آید، این است که مردم از همان دوران هارون الرشید به آن سرزمین روی آورده و به آن‌جا رفت و آمد داشتند.

❑ زائران مرقد امام علی(ع)

امام زین‌العابدین، امام باقر، امام صادق و امام کاظم(ع) قبر آن حضرت را زیارت نموده‌اند. از خلفای مشهور نیز منصور، هارون الرشید، عضدالدوله و عمران بن شاهین آن مرقد مطهر را زیارت کرده‌اند.

❑ کرامات قبر شریف امیرالمؤمنین(ع)

مؤلف در این بخش می‌گوید: کرامت‌های آن مرقد مطهر بسیار است که از زمان امام صادق(ع) تاکنون رخ داده و نمی‌توان به همه آنها دست یافت. آن‌گاه نمونه‌هایی را یادآوری نموده که یک مورد آن چنین است:

علی بن طحال گوید: مردی خوش‌چهره، با لباسی پاکیزه نزد من آمد و دو دینار به من داد و گفت: مرا در کنار مرقد حضرت رها کن و درب را به رویم ببند. آن دینارها را گرفتم و در را بستم و خوابیدم. در عالم خواب امیر مؤمنان(ع) را دیدم که به من فرمود: این مرد را از کنار من دور کن؛ زیرا که یک مسیحی است. علی بن طحال گوید: برخاستم و طنابی برداشته بر گردن آن مرد انداختم و گفتم: از این‌جا دور شو؛ تو می‌خواهی با دو دینار مرا فریب دهی؛ در حالی که یک مسیحی هستی؟! مرد گفت: من مسیحی نیستم؛ گفتم: آری، تو مسیحی هستی؛ زیرا امیرالمؤمنین در خواب مرا از این امر خبر داد و فرمود: تو را از این‌جا بیرون کنم. آن مرد گفت: دستت را به سوی من دراز کن؛ زیرا من گواهی می‌دهم که جز خداوند معبودی نیست و این که حضرت محمد(ص) پیامبر اوست و علی ولیّ اوست. به خدا سوگند هیچ کس خبر نداشت که من از شام بیرون آمدم و کسی از اهل عراق مرا نمی‌شناسد. مرد مسیحی از آن پس از شیعیان نیک شد.^۴

در پایان محقق این کتاب، فهرست‌های عمومی را آورده که ۹ فهرست به این ترتیب است: فهرست آیات قرآنی، فهرست احادیث شریفه، فهرست امثال، فهرست

اشعار، فهرست اعلام، فهرست اماکن و بقاع، فهرست قبایل و عشایر، فهرست
اعلامی که در پاورقی ترجمه شده‌اند و فهرست موضوعات.

پی‌نوشت

۱. هود، آیه ۴۳.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۱۲.

۳. شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۵؛ ابن‌عنه، عمدة الطالب، ص ۶۱.

۴. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۵۷۴ (به نقل از سیب‌ن طاووس، فرحة القرى، ص ۱۶۷).